



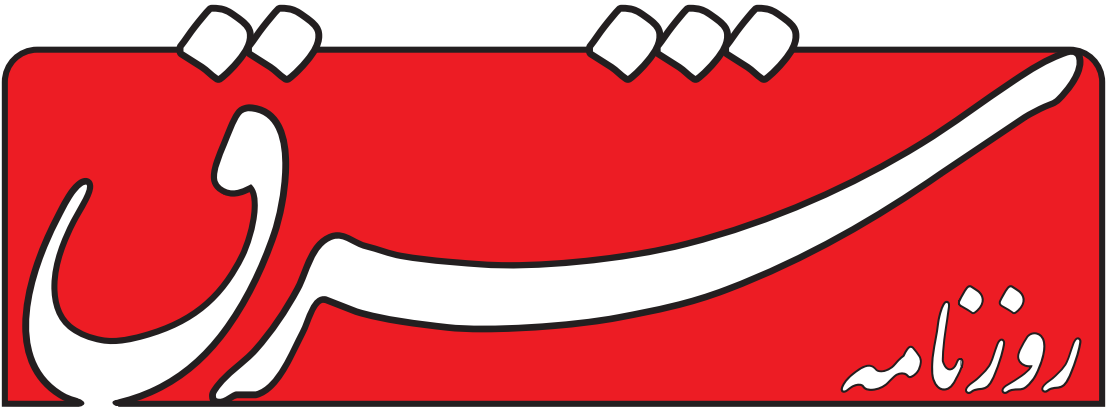
رئیس‌ی درحرم امام (ع)؛

پرچم عدالت خواهی و مبارزه با ظلم و فساد را امام برافراشت

گروه سیاست: رئیس قوه قضائیه با اشاره به هفته قوه قضائیه گفت: این هفته فرصت مغتنمی است که یک بار دیگر دیدگاه‌ها و نظرات امام را در جهت اجرای عدالت مرور کنیم. به گزارش ایستنا، آیت‌الله سیدابراهیم رئیسی...

صفحه ۲

یکشنبه ۲ تیر ۱۳۹۸ • ۱۹ شوال ۱۴۴۰ • ۲۳ ژوئن ۲۰۱۹



برای اولین بار در نشست «نقدی بر نظام حقوقی مقابله با پول شویی در ایران» مطرح شد

کدام بانک زنجانی را لو داد؟

صفحه ۵

چرا رئیس جمهوری آمریکا به ماجرای ساقط کردن پهپاد جاسوسی واکنش نشان نداد

حفره روایت ترامپ

• ترامپ: تصمیم ایران برای نزدن هواپیما تصمیم خردمندانه‌ای بود

• هشدار سردار حاجی‌زاده درباره تکرار تجاوز هوایی

صفحه ۱۵

یادداشت

اکرام میهمان به بهانه سفر آبه

دولتی، در دو یا سه باری که درباره برخی مسائل به حضور مقام معظم رهبری رسیدیم، ایشان بلااستثنا مکان بالاتر و بالادست را به این‌جانب واگذار کردند (یعنی با تاکید) و خودشان فرودست‌تر نشستند و باز به خاطر دارم که در یکی از ملاقات‌های عمومی ورزشکاران، یکی از ورزشکاران دیرتر رسید و ایشان با تواضع در مقابل او به‌پا خاستند.ایشان نوعا و همواره در ملاقات‌ها پوششی یکسان دارند و مختص نخست‌وزیر زاین نبوده است.

اگر به چیدمان میل‌ها نیز دقت شود، می‌بینیم صد اتساق را به میهمان واگذار کرده‌اند و این مصداق «اکرام الضیف و لو کان کافرا» است و میل دوفره نیز به معنی احترام یکسان به میهمان و همراه ایرانی ایشان است و خودشان پایین‌دست میهمان اصلی و مقابل سایر میهمانان می‌نشینند. این دقت نظر و رعایت اصول میهمان‌نوازی بسیار درخور توجه است. در سال‌های گذشته، برخی رؤسای قوای خودمان هنگام رویارویی با میهمان خارجی خود، در بالادست می‌نشستند و میهمان را در پایین‌دست جای می‌دادند و نوع نشستن آنان همراه فرورفتن در میل و درازکردن یا بود که گاهی موجب عکس‌العمل مشابه میهمان می‌شد. درحالی‌که نشستن مقام معظم رهبری کاملا رسمی است.

آنچه مهم است و باعث استحکام نظام و قدرت ملت می‌شود، سیاست‌های منطقی و عاقلانه و حفظ منافع ایران و مردم است که دشمنان آن را درک می‌کنند.

ادامه در صفحه ۴



سیدمصطفی هاشمی‌طبا

پس از سفر اخیر نخست‌وزیر زاین به ایران و ملاقات با رهبر معظم انقلاب، برخی از دارندگان فضای مجازی از دیدگاه خود به تجزیه‌وتحلیل این ملاقات و به‌ویژه رفتار مقام معظم رهبری پرداختند.

ناگفته پیداست سیاست‌مداران جهان، به‌ویژه در کشورهای دقیق و نکته‌بین، همواره اطلاعات وسیعی درباره رهبران و مسئولان کشورهای دیگر در اختیار دارند و روحیه، خلق‌وخو، روش زندگی، وابستگی‌ها و نقاط ضعف و قوت آنان را تحلیل می‌کنند. طبیعی است هنگامی که با مسئولان دیگر کشورها با این شناخت روبه‌رو می‌شوند، رفتار، سکنات و کلام آنها تحت تأثیر اطلاعات فعلی خواهد بود. احترام، تواضع یا هر رفتار آنان و ملاقات‌ها را با این دانش می‌توان تجزیه‌وتحلیل کرد.

متأسفانه در فضای مجازی برخی که خود را دوستدار رهبر فرزانه انقلاب می‌شمارند، نکاتی را درباره دیدار و نوع حضور مقام معظم رهبری در آن مطرح کردند که نارواست و ساحت ایشان از این امر کاملا میرا.

به‌عنوان فردی که قادر به شهادت در برخی از این امور هستم، برخی توضیحات را ضروری می‌دانم. بسیار به خاطر دارم هنگام تصدی

یادداشت

درباره شعار روز جهانی مبارزه با مواد مخدر



سید مستظفر المهدی

توأم با سلامت) نیز ریشه در باوری ژرف و عمیق دارد؛ آن باور این است که «برای مبارزه با قاچاق و سوءاستفاده از مواد مخدر، ناگزیر باید وسیله و روش آن مانند هدفش که از میان‌برداشتن اعتیاد و عرضه و قاچاق مواد است نیز پاکیزه و عادلانه باشد؛ چراکه بهره‌گیری از روش‌های ناسالم و غیرعادلانه در ترویج سلامت، گرچه ممکن است در کوتاه‌مدت اثرات مثبتی برجای بگذارد، مطمئنا در بلندمدت از آن «مفسده‌ای دیگر برمی‌خیزد»؛ پس اگر به تطهیر سیمای جامعه از مصاد افیونی می‌اندیشیم که قطعا می‌اندیشیم، ضرورتا باید به بسط عادلانه و پاکیزه سلامت در جامعه نیز بیندیشیم. بی‌گمان بسط عادلانه و فراگیر سلامت زمانی میسر و میسر می‌شود که «همگان»، اعم از دولتها و نهادهای مردمی و یک‌یک شهروندان، عزم خود را برای مبارزه با بلای قرن و پدیده شوم مواد مخدر جزم کنند و در این مسیر از هیچ تلاش مشروع و عادلانه‌ای دریغ نورزند. همان‌گونه که تجارب گذشته نشان داده است، تنها با تلاش‌های «هم‌افزایانه» (سینرژیک) می‌توان برای پدیده بیمارگونه‌ای (پاتولوژیک) مانند اعتیاد چاره اندیشید و جامعه را در برابر خطرات پرشمول آن مصون کرد.

بی‌نیاز به هیچ گفت‌وگویی، وقتی سخن از «مبارزه با مواد مخدر» است، منظور صرفا «روش‌های مقابله‌ای» نیست، بلکه مهم‌تر از آن روش‌های پیشگیرانه نیز مطرح نظر است؛ چراکه مطمئنا با به‌کار بستن روش‌های پیشگیرانه می‌توان از گروه‌های کم‌سن‌وسال و آسیب‌پذیر در برابر هیولای تخریبگر اعتیاد مراقبت کرد و مانع از افتادن آنان در باتلاق وابستگی به مواد شد.

روش‌های پیشگیری پرشمارند؛ بااین‌حال، همان‌گونه که مدافعه در شعارهای سال‌های گذشته نشان می‌دهد، از میان آنها چند روش سودمندتر هستند.

«سلامت توأم با عدالت و عدالت توأم با سلامت»
HEALTH FOR JUSTICE / JUSTICE FOR HEALT

اهمیت مبارزه فراگیر، جهان‌شمول و همه‌جانبه با هیولای ویرانگر و مفسده هزارسر مواد مخدر و قاچاق آن، موجب شد تا سرانجام سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۷ (۳۲ سال پیش)، روز ۲۶ ژوئن برابر با پنج تیر را روز جهانی مبارزه با قاچاق و سوءمصرف مواد مخدر اعلام کند. هرساله شعار ویژه‌ای برای این روز انتخاب می‌شود تا به اقدامات و کنش‌های مقابله با این پدیده شوم در سال پیش‌رو، در چارچوب آن شعار سمت‌وسو داده شود. شعار امسال «سلامت توأم با عدالت و عدالت توأم با سلامت» است؛ از همین روی، در سطور زیر به اختصار نکاتی درباره این شعار و ضرورت تلاش و اهتمام همگانی برای پیراستن جامعه از بلای اعتیاد و پدیده تخریبگر مواد مخدر یادآوری می‌شود. همان‌گونه که پیداست، این شعار دو مفهوم کلیدی دارد: سلامت (health) و عدالت (justice). این دو مفهوم کلیدی نیز همگام و در پیوند باهم در شعار ظاهر شده‌اند؛ بنابراین از کل شعار چنین می‌توان استنباط کرد که سلامت، به‌ویژه در قلمرو مواد مخدر (و گرایش‌نداشتن به آن)، زمانی پسندیده و مطلوب است که به صورت عادلانه بین همگان، صرف‌نظر از ملیت، مذهب، زبان، جنسیت، قومیت و... به صورت برابر و عادلانه توزیع شده باشد؛ یا به تعبیر دیگر، سلامت وقتی رضایت‌بخش و خوشایند است که همگان از آن برخوردار باشند و کسی از آن محروم نشده باشد. بخش دوم شعار (یعنی عدالت همگام و

ادامه در صفحه ۴

پیام کوتاه

۳۰۰۰۴۶۹۹

sharghline@sharghdaily.ir

الو شرق

۸۸۶۴۰۲۶۰

شرق بررسی می‌کند

اجاره‌نشینان تنهای تهران

صفحه ۸

تیترا

روایت ناکامی ائتلاف‌های اصولگرایانه

صفحه ۶

بهزاد نبوی: نه چریک‌م و نه پیر؛ جوانم و اصلاح‌طلب

صفحه ۲

۲۱ سال از خرداد تاریخی گذشت

صفحه ۱۴



یادداشتی از سیدعلی صالحی

نوشتن با نوشتن

سرانجام سر یکی از همین بیج‌ها، تو می‌پیچی اما جاده نمی‌پیچد. ملال کور مه و ناپلیدی در کار فرمان، ترمز تقدیر بریده‌بریده را بی‌عمل می‌کنند. نمی‌یقین و نمی‌احتمال، چنان تردیدی می‌زایاند که مرگ با تو از عذاب و عقیم و اندوه سخن خواهد گفت. عقیم‌شدن در فرمان خلاقیت، خاصه در کابوس کلمات، دردی است عظیم که بسیاری را به عهد کهن‌سالی برگشاره و به انزوا می‌راند؛ یکی از انواع بریدن است این!

چه بسیار اندکاند آتیه‌ای که پیر می‌شوند اما هیچ پرده‌ای را به عنوان پایان‌پذیری خلاقیت بی‌دریسی و ناب و نوشتن نمی‌پذیرند. همین... حلاوت حیات نواخب نوشتن است: زنهار! بی‌رسالی هیچ سهمی از قلم نمی‌برد؛ اگر از هول بریدن، برده‌نشین نشوی؛ جز این باز هم زنهار، برده‌ای به نام «زمان» برنیاید بر تو ارباب شود که این رگ‌زدن رویاهای آدمی است. نوشتن ناب، شام آخر ندارد، علی‌الخصوص در خنیاگری کلمه و کیمیاپویسی شعر.

قفا را بنگرید، چه بسیار اندکاند آنها که بیج و جاده و تقدیر و ذهن و کلمه و زمان را یکجا تصرف کرده و از فراز دره گذشته‌اند. او که می‌ماند یا خاص جوان‌مرگ است مثل فروغ فرخ‌زاد، یا پیر دیردراشکن است مثل الف. بامداد، مثل نیما، مثل محمود دولت‌آبادی در کار کلمه و کمال نوشتن.

در قیام قلم چه قشون‌ها که آمدند، بر ریختند و بی‌راه رفتند بی‌هیچ ردی که بشاید! عبور از مرز مشروط ماندگاری، تجربه مرگ است در قید قلم، این مرز... اقلیم دور به وهم‌اندازی نیست، تنها باید سه ضامن ظلمت‌شکن، همه واژه‌ها را برای آزادی نوشتن به وثیقه بیاورد: زمان، مردم، تاریخ! به‌زعیم من این هر سه ستون فرج، عاقبت عشق نوشتن و عشق به نوشتن را تعیین می‌کند، وگرنه نه خطی در بقا و نه باوری به بعد از این!...

به همین صفت، به همین هوا و به همین علت غایی است که اندکاند آتیه‌ای که در پیرسالی، همچنان برای‌دارند داشته‌های پسین و آورده‌های پیش‌رو به شمار می‌روند. در کار شعر خاص و خوش چه اندکاند آتیه‌ای که زمان را به زانو درمی‌آورند، بی‌هیچ اضطرابی از شرایط، بی‌هیچ ملالی از مردم و بی‌هیچ ترسی از تاریخ.

زنهار! ضعف، عزت اولاد آدمی است. خطا، خواب کج اهل کلام است، افت هم هست، خیز هم هست. این خاصیت حیات در مسیر ممکنات و طعنه تکامل است اما مهم وجه واژه در جهت غالب است، غلبه بر یاس!

فروغ را نبوغ از مرز عبور داد، نیما و شاملو را تجربه؛ دو حرکت: جوان‌سر و پیرپای، در شطرنج بی‌شکست شعر.

ادامه در صفحه ۴



شهردار تهران، در برنامه تلویزیونی «دست‌خط» مطرح کرد

ارت ۵۰ هزار میلیاردی شهرداری

گروه سیاست: پیروز حناچی، شهردار تهران که براساس شنیده‌ها حضور و دعوتش در برنامه‌های تلویزیونی با موانعی مواجه بود، جمعه‌شب در برنامه دست‌خط که از شبکه پنج پخش می‌شود، روبه‌روی محمدحسین رنجبران مجری این برنامه...

صفحه ۱۳

سال شانزدهم • شماره ۳۴۵۷ • ۱۶ صفحه • ۴۰۰۰ تومان

سرمقاله

ماشه تهدید؛ ماشه فرصت

غلامرضا نظر بلند - تحلیلگر



سرنگونی یک فروند پهپاد نظامی فوق‌مدرن آمریکا توسط نیروی هوا- فضای سپاه پاسداران در بامداد پنجشنبه ۳۰ خرداد گذشته قریب ۲۴ ساعت

همه رویدادهای خبری جهان را تحت‌الشعاع قرار داد و نگرانی شدیدی را از احتمال واکنش کاخ سفید به این حمله موجب شد. در این میان ایران و آمریکا به‌عنوان طرفین ماجرا روز پرکار و سختی را پشت سر گذاشتند و جامعه جهانی را بی‌صبرانه در انتظار موضع‌گیری‌ها و اقدامات خود قرار دادند. تا اینکه توییت دونالد ترامپ در ساعات پایانی شب با این عبارت که «ما دیشب دست به ماشه بودیم که به ایران حمله کنیم. پرسیدم چند نفر کشته می‌شوند؛ یک فرمانده گفت ۱۵۰ نفر. ۱۰ دقیقه قبل از حمله، فرمان توقف حمله را صادر کردم؛ چون کشته‌شدن ۱۵۰ نفر جواب مناسبی به سرنگونی یک پهپاد بدون سرنشین نیست»، از التهابات کاست و قدری فضا را عادی کرد.

ما را به راستی آزمایی دیالوگ بین رئیس‌جمهور آمریکا و یکی از فرماندهان او، کاری نیست. آنچه مراد است، این است که چرایی تصمیم او مبنی بر توقف فرمان حمله نظامی به ایران را واکاوی کنیم و عرض‌حالی دراین‌باره داشته باشیم. ترامپ در توییت مزبور پس‌گرفتن فرمان خود را به دلیل مغایرت با چیزی اعلام می‌کند که در حقوق به آن، اصل تناسب جرم و مجازات (proportionality principle) می‌گویند.

واقعیت چرایی پرهیز آقای ترامپ از حمله نظامی به ایران را فارغ از اینکه در همان قالب اعلامی، یعنی «ابتدا تصمیم به حمله و ۱۰ دقیقه قبل از اجرا، تصمیم به توقف آن» باشد یا نباشد باید در یک «سه‌ضلعی» بسیار تعیین‌کننده سراغ گرفت. مشخصات یکی از اضلاع این سه‌ضلعی را نیویورک‌تایمز به بیرون درز داد.

ادامه در صفحه ۲

یادمان

من برگ را سرودی کردم سرسبزتر ز بیشه
من موج را سرودی کردم پرنش‌تر ز انسان
من عشق را سرسودی کردم برطلبل‌تر ز مرگ.
سرسبزتر ز جنگل
من برگ را سرودی کردم پرتیش‌تر از دل دریا
من موج را سرودی کردم برطلبل‌تر از حیات
من مرگ را سرودی کردم...

احمد شاملو

مریم روحانی، قصه‌ای است که تمام نمی‌شود. رفتن او معنی نبودن نمی‌دهد که زندگی‌اش در واژه‌هایی که پرداخته جارست. همسر چشم‌هایش را بسته و لبخند می‌زند، این آرام‌گرفتن با نیست‌شدن فرق دارد، او تنها به سرودن شعری نشسته است. مرگ آخرین سروده هر شاعری است؛ پیش از هم‌نشینی با آسمان‌ها. در این چند روز حضور دوستان مرهمی بر غم فقدان همسر بود. خدا را شکر می‌کنم که همه مراسم‌ها در نهایت احترامی که شایسته آن بانوی پرهیزگار بود، برگزار شد. در مراسم یادبود مسجد نور به دلیل کثرت جمعیت فرصت نشد تا از حضور بزرگواران تشکر کنم. از همه عزیزانی که در منزل و آیین خاک‌سپاری و مراسم یادبود حضور پیدا کردند یا با ارسال پیام تسلیت از آن فریخته زنده‌یاد یاد کردند، سپاسگاری می‌کنم و برایشان آرزوی سلامتی و طول عمر دارم.

لطف‌الله میثمی

او با ماست

فیروز گوران، از سرآمدان روزنامه‌نگاری معاصر ایران، پس از سال‌ها تلاش بی‌وقفه برای خدمت به مردم و مطبوعات، قلم از دست گذاشت. فیروز گوران روزنامه‌نگاری شجاع، شریف، حقیقت‌جو، راست‌گفتار و درست‌کردار بود. نام و خاطره او در تاریخ مطبوعات سرزمینی که عاشقش بود همیشه زنده خواهد ماند.

رجوع به صفحه ۶

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق

۸۸۱۹۰۴۶۸ - ۸۸۱۹۳۹۷۹

تلگرام شرق

پیوندید

@sharghdaily